

بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های اسلامی در کالبد مسکن؛ نمونه موردی: خانه سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران

احمد امین پور - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

رامین مدنی - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

حامد حیاتی* - دانشجوی دکتری تخصصی معماری اسلامی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

Study of how to manifest Islamic teachings in the housing complex; Case study: Traditional House in the warm and dry climate of Iran

Abstract

Although the principles of Islam are fixed and irreversible truths that have been laid down for all time, but the farewell is high and ijthad is necessary. That is, at any time and time, it is necessary for specialist experts to adapt the principles of Islam to the changing issues that occur in time, and to determine what these issues are based on. It is evident that the principles laid down for the housing laid down from this The rule is not an exception and should be recognized and adapted to the rules and conditions of the time. The Islamic teachings presented in the Holy Qur'an and the Word of the Innocents (PBUH) provide conceptual and practical strategies in the form of metaphysical and metaphysical principles that can be exploited, since Islamic teachings on biological spaces such as Housing has a very positive and positive effect, so studying and researching is important in this regard. This research studies the role of Islamic teachings in how to form a residential environment. In this study, Islamic teachings as religious beliefs and values of residents of the home are an independent variable that influences the physical structure of the home as a dependent variable. Following the detailed study of Islamic teachings from the Quranic verses and authentic Hadiths, the effect of these factors and its manifestation in the case examples has been carefully considered. The research method is descriptive-analytic and has been done by choosing traditional analgesics in a warm and dry climate in Iran. The results of the research show that the spatialization of home and housing in Islam is proportional to their material and spiritual needs and is in fact based on Islamic teachings. Therefore, based on these teachings, the apparent identity of housing is in harmony with material needs, and the religious identity of housing is consistent with the spiritual needs of man.

Key words: Housing, Islamic teachings, Islamic architecture, Muslim houses.

با اینکه اصول اسلام، حقایقی ثابت و تغییرناپذیر است که برای همه زمان‌ها وضع شده، ولی فروع آن زیاد بوده و اجتهاد ضرورت دارد. یعنی در هر عصر و زمانی به افراد متخصص نیاز است تا اصول اسلامی را با مسائل متغیری که در زمان پیش می‌آید تطبیق داده و معین نمایند که این مسائل وارد بر چه اصولی است، بدیهی است اصولی که در مورد مسکن وضع شده از این قاعده مستثنی نبوده و باید بازشناسی و با شرع و شرایط زمان انطباق داده شود. آموزه‌های اسلامی ارائه شده در قرآن مجید و کلام معصومین (علیهم‌السلام) راهبردهای مفهومی و عملی مشخصی را به صورت اصولی فرا زمانی و فرا مکانی ارائه داده که قابل بهره‌برداری هستند، از آن جایی که آموزه‌های اسلامی بر فضاهای زیستی از جمله مسکن تأثیر بسیار مفید و مثبتی دارد لذا مطالعه و تحقیق در این رابطه حائز اهمیت است. این پژوهش بر آن است که نقش آموزه‌های اسلامی را در چگونگی شکل‌گیری محیط مسکونی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در این پژوهش آموزه‌های اسلامی به عنوان باورها و ارزش‌های دینی ساکنان خانه به مثابه متغیر مستقلی است که بر ساختار کالبدی خانه به عنوان متغیری وابسته مؤثر واقع می‌شود. به صورتی که پس از مطالعه دقیق آموزه‌های اسلامی از آیات قرآن و احادیث معتبر، چگونگی تأثیر این عوامل و تجلی آن در نمونه‌های موردی، مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با انتخاب نمونه مسکن‌های سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فضاسازی خانه و مسکن در اسلام متناسب با نیازهای مادی و معنوی آنها و در واقع مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. لذا براساس این آموزه‌ها هویت ظاهری مسکن با نیازهای مادی هماهنگ است و نیز هویت دینی مسکن با نیازهای معنوی انسان سازگار و هماهنگ است.

واژگان کلیدی: مسکن، آموزه‌های اسلامی، معماری اسلامی، خانه‌های مسلمانان.

این مقاله برگرفته از پایانامه‌ی دوره دکتری تخصصی معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان با عنوان «بارشناسی راهبردهای طراحی مسکن براساس آموزه‌های اسلامی» است.

* نویسنده مسئول، شماره تماس: ۰۹۱۸۹۸۹۸۱۹۰، رایانامه: Email: hamedhayaty@yahoo.com

آید؛ مسکن مناسب باید شرایطی داشته باشد که بتواند فراهم آورنده آرامش و آسایش برای ساکنان خویش باشد. اگر برای مسکن شرایط و خصوصياتی بر مبنای آموزه‌های اسلامی تدوین شود؛ میتوان با تطبیق این خصوصیات بر زمان‌ها و مکان‌های مختلف، تصمیم صحیح و مناسب را در طراحی مسکن اسلامی اتخاذ نمود (نقیزاده، ۱۳۷۹، ص ۹۲). لذا در آغاز پژوهش، مطالعه، بر روی منابع مختلف مانند آیات قرآن و تفاسیر مربوطه، احادیث و روایات مستند که به گونه‌ای به معماری پرداخته‌اند، انجام خواهد شد. جهت بررسی و تطبیق گزاره‌های معنایی آیات قرآن تعدادی از خانه‌های سنتی به عنوان نمونه‌های شاهد انتخاب میگردد، و بر این اساس موضوعات کاویده خواهد شد.

مباحث نظری

عوامل اصلی مؤثر بر شکلگیری خانه

از آنجایی که دین و مذهب به عنوان پدیده‌های الهی بروز اجتماعی و فرهنگی دارد، منشأ ایجاد تغییر، تفاوت و تباین در مکانهای گوناگون بوده است (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). فرهنگ از جهان‌بینی نشأت گرفته و یکی از کاملترین نمود عینی آن در معماری ظهور یافته است، معماری تجلیگاه سنن و فرهنگ جامعه است و بر مبنای تصویری که انسان از هستی دارد، طراحی و ساخته میشود، لذا نظام فضائی سکونتگاه یا مسکن انسان بازتابی از اندیشه و بخشهایی از جهان‌بینیاش میباشد (معماریان، ۱۳۸۹، ص ۴). مسکن یکی از مهمترین عناصر معماری شهر بوده و نظام ارتباطی آن در فرهنگ اسلامی با نگرش بر نیازهای فطری انسان و با توجه به مراحل گوناگون رشد او، بدنبال محیطی است که موجب سلامت جسم و تکامل روحیاش شود. انسان از دیرباز نیازمند ساخت خانه، به مقاصد مختلفی بوده است، این مقاصد ریشه در دیدگاه وی به جهان و نیازهای وی است. به عبارتی دیگر، با تغییر دیدگاه انسانی نسبت به جهان، نوع معماری خانه وی نیز مسیر متفاوتی پیموده است (بمانیان، ۱۳۹۱، ص ۶۶۳). ادیان، اندیشه‌ها و مکاتب فکری، مفاهیم و راه‌للهای مختلفی جهت تبیین مسئله سکونت بیان داشته‌اند، اسلام نیز به عنوان یکی

اسلام از ابتدا تا به امروز یک دین شهری و مدنی به حساب می‌آید که به علت همین خصیصه خود، ساختار شهرها و سکونتگاه‌ها را باسازی و پیرایش کرد. لذا اسلام دینی شهری مطرح شده که برای تحقق آرمان‌های خود نیاز به شهر داشته است (ملکشاهی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲). چپستی و چگونگی شهر و شهر اسلامی در آموزه‌های اسلامی نیازمند تعمق و تتبع وسیع در منابع ارائه کننده این آموزه‌هاست (غنیزاده، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰). بیشترین تعلیمات اسلام، به بهترین شکل در محیطی شهری نمود پیدا میکنند (Saoud Rabah, 2002, 1). اندیشه اسلامی در شهر دارای ویژگی‌های منحصر به خود است که حصول به آنها میتواند سبب رسیدن به حیات طیبه^۱ در فضاهای زیستی بشر و موفقیت توأمان مادی و معنوی شهروندان گردد. شهرهای امروزه ما در سرزمینهای اسلامی به دلیل بی‌توجهی به مبانی نظری و اندیشه اسلامی در طراحی فضاهای زیستی خود نیازمند احیا و باز طراحی مجدد با قرائت آموزه‌های اصیل اسلامی و با رجوع به سنت و کتاب خدا است (ستاری، ۱۳۹۰، ص ۴۸). طراحی خانه یکی از موضوعات مهم در حوزه معماری و طراحی شهری است که بطور مستقیم با تمامی ابعاد وجودی انسان ارتباط دارد و در هر فرهنگ و بوم شکلی متناسب با بستر خود پیدا میکند. با توجه به ابعاد همه شمول فرهنگ اسلامی، خانه و مسکن متناسب به این فرهنگ نیز میبایست شامل چنین ویژگی باشد، خانه و مسکن یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر است که بخش اعظمی از ساخت و سازهای درون شهری مربوط به این نوع کاربری می‌باشد. به همین دلیل رویکرد اتخاذ شده برای طراحی آن بر روی کل شهر اثر گذاشته و دارای جنبه اجتماعی قوی-ایی می‌باشد. بنابراین در شهر اسلامی باید اصول و معیارهای طراحی مسکن از منظر اسلام در مراحل مختلف کار مد نظر قرار گیرد (نقره‌کار، ۱۳۹۱، ص ۲). همانطور که از آموزه‌های اسلامی بر می-

۱. سوره نحل آیات ۹۵ تا ۱۰۰ ناظر به مفهوم حیات طیبه قرآنی است. ضمن آنکه واژه قرآنی خَیْوَةُ طَیِّبَةٍ در آیه ۹۷ سوره نحل ذکر شده است.

از ادیان آسمانی، به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد، مسلمانان در امر خانه‌سازی براساس مضامین شرعی، اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). به گفته بورکهارت، معماری اسلامی برگرفته و براساس تفکر اسلامی و قوانین ویژه آن است (معماریان، ۱۳۸۹، ص ۲). لذا خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی با عملکرد چند بعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی است. از آنجا که ساخت خانه امری فرهنگی است، شکل و سازمان نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است (راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۴۶). شکل خانه نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر علت مجرد نیست، بلکه نتیجه گسترده عوامل اجتماعی و فرهنگی است (راپاپورت، ۱۳۸۸، ص ۸۳). فرهنگ عامل اصلی شکل‌گیری خانه است و عامل اقلیم و سایت و اقتصاد عوامل درجه دو محسوب می‌شود. در کنار نقش اصلی عامل فرهنگ، مذهب را میتوان به عنوان نیروی محرکه مهم دانست. مذهب در واقع تصویر مشخص از عالم هستی را ارائه داده و سازندگان بنا سعی میکنند این تصویر را در ساختمان خود نشان دهند، مذهب تأثیر خود را بر بناها بیشتر از سایر عوامل نشان میدهد چنانچه در منطقه‌ای که از نظر شکل زمین و آب و هوا و اقلیم در یک شرایط قرار دارد دو گونه متفاوت خانه‌ها را مشاهده میکنیم (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۳)، مانند خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان در یزد و کرمان.

باورهای فرهنگ ایرانی که برگرفته از جهانبینی اسلامی است، اساس معماری اسلامی را شکل می‌دهند. معماری اسلامی، به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی بعنوان معماری موفق در ایجاد فضای مطلوب انسانی مطرح است، از این رو میتواند در تعریف ژرف ساختهای نظری یک معماری اسلامی مناسب برای نیازهای روزآمد، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد (امینیپور و حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۴۸). با توجه به نیاز ارتقاء کیفی مسکن، به نظر میرسد که میتوان از مبانی و اصول معماری اسلامی بهره برد (نقیزاده، ۱۳۹۳، ص ۳۲۱۳). در معماری اسلامی از مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روحبخش اسلامی و آموزه‌های معنوی به عالیت‌ترین شکل ممکن می‌

توان بهره جست (مهدوینژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

خانه‌های مورد بررسی

۱. خانه احسان: خانه تاریخی احسان در محله درب باغ کاشان واقع شده است. این خانه با دو حیاط بزرگ اندرونی و بیرونی ساخته شده است که در چهار جبهه حیاط، فضاهایی ساخته شده که سه جبهه آن دارای اهمیت بیشتری است. محور اصلی خانه شمالی و جنوبی و دارای حیاطی با حوض کشیده و باغچه‌های قرینه میباشد. مهمترین مجموعه خانه در جبهه شمالی قرار گرفته که به صورت دو طبقه بنا شده است. در زیر این جبهه و همکف حیاط بزرگترین سرداب خانه قرار دارد که تزئینات بسیار زیبایی از کاربندی و یزدینندی در آن دیده میشود. در جبهه جنوبی حیاط و روبروی ایوان ضلع شمالی، ورودی یک سرداب بزرگ و دو زیرزمین کوچک قرینه در کف حیاط دیده میشود. در میانه این جبهه و بر روی سقف سردابها تالار پنجدری بزرگی با دو دهلیز جانبی (کریاس) قرار گرفته است. به نظر میرسد این جبهه قسمت تابستان‌نشین خانه را تشکیل میدهد. دومین مجموعه فضایی جبهه شرقی، شامل حوضخانه نسبتاً مرتفعی است که با حوض هشت گوش و فضاهای قرینه دیگر میان این جبهه بنا شده است (فرخیار، ۱۳۹۲، ص ۲۸۲).

۲. خانه آلیاسین: این خانه در خیابان امام و در محله پشت مشهد کاشان قرار دارد که با یک حیاط مرکزی بزرگ در گروه خانه‌های یک حیاطه-ای قرار میگیرد که در سه جبهه دارای ساخت و ساز میباشد. فضاهای آن متشکل از یک بخش اصلی شامل حوضخانه، تالارها و اتاقهای پیرامون آن است که در جبهه شمالی حیاط و دو بخش قرینه در دو جبهه شرقی و غربی واقع شده‌اند. در جبهه جنوبی تنها با دیوار طاق نماسازی شده حیاط را محصور کرده است. جبهه شمالی در مرکز خود سرپوشیده مرتفع با سقف گنبدی شکل دارد. این سرپوشیده که فضای داخلی آن از تقسیمات دو طبقه برخوردار است با سقفی گنبدی دارای کلاه-فرنگی (نورگیری) بزرگی است که با پنجره‌های مشبک آجری و تزئینات زیبای کاربندی و نقاشی به نحو بسیار زیبایی پوشیده شده است. دو جبهه

غربی و شرقی حیاط، کمابیش مانند هم هستند، به خصوص آنکه شکل قاندهی فضاهای واقع در وسط هر یک از این دو جبهه مشابه یکدیگر است. این دو جبهه تنها در عناصر میانی متفاوتند (همان، ص ۱۵۲).

۳. خانه لذیذی: خانه قدیمی لذیذی با مساحتی حدود ۸۰۰ متر مربع در خیابان آیت‌الله کاشانی و در محله طاهر و منصور واقع شده است. خانه لذیذی به شکل چهار صفا بنا شده است و بنابراین در چهار جبهه چهار مجموعه فضایی است که دو جبهه اصلی آن به صورت تابستان‌نشین و زمستان‌نشین بنا شده است. در این خانه براساس الگوهای معماری درون‌گرا، فضاهای گوناگون مشتاقانه به گرد حیاط مرکزی که بخش اصلی خانه است حلقه زده و به آن نظر دارند. همه جبهه‌های حیاط در حد دو طبقه و هم ارتفاع‌اند و به این ترتیب همچون حصاری ساده حیاط را در بر گرفته‌اند و از این نظر هیچ یک از جبهه‌ها بر دیگری رجحان ندارند. در جبهه شمالی حیاط، تالاری بزرگ قرار دارد که در دو طرف آن کفشک‌نهای قرینه (کریاس) تعبیه شده است. در جبهه جنوبی، ایوان کم‌عمق وی مرتفعی دیده می‌شود که از طریق دو راه‌پله (کریاس) می‌توان بدان دسترسی پیدا کرد. در جبهه غربی یک تالار پنج‌دردی و در دوسوی آن دو کریاس قرینه به همراه دو اتاق سهدری قرار گرفته‌اند. در جبهه شرقی نیز همین فضاها دوباره تکرار شده می‌شوند (همان، ص ۲۴۲).

بررسی آموزه‌های اسلامی مؤثر بر شکل‌گیری کالبد مسکن

۱- تجلی اصل طبیعت در مسکن

سوره توبه آیه ۷۲: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

ترجمه: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی (از بهشت) که از پای (درختان) آن، نهرها جاری و در آن جاودانند و (نیز) مسکن‌هایی دلپسند در بهشت برین را وعده داده است. ولی رضایت و خرسندی خداوند، برتر و والاتر (از اینها) است. این همان

رستگاری بزرگ است.

تفسیر: دیگر از مواهب الهی به مؤمنین و مؤمنات این است که خداوند مسکن‌های پاکیزه و منزلگاه‌های مرفه در قلب بهشت عدن در اختیار آنها می‌گذارد (و مسکن طیبه فی جنات عدن) که «جَنَاتِ عدن» باغهای مخصوصی است از بهشت که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جمعی از خاصان پیروان او در آنها مستقر خواهند شد. «عدن» در لغت به معنی اقامت و بقاء در یک مکان است (تفسیر برهان، جلد ۵، ص ۱۴۸).

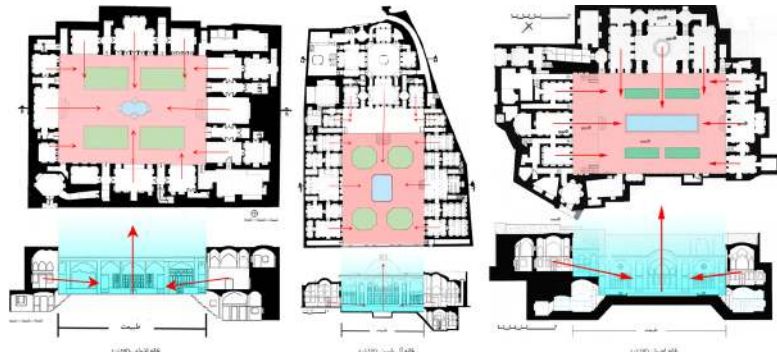
– **حدیث:** امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: نگاه کردن به سبزه هم و غم را از بین میبرد (بحار الانوار، جلد ۶۳، ص ۲۹۱).

توضیحات: اعتقادات و باورهای دینی بر شکل‌گیری مسکن و فضای سبز آن تأثیر گذارده و در شکلگیری مفاهیم آن نقش داشته است. افزون بر آیات قرآنی، در روایات متعددی از معصومین از جمله کتاب نهج الفصاحه، به جنبه‌های مختلف فضای سبز اشاره شده است (امینیور و حیات، ۱۳۹۴، ص ۵۳). بهشت مکانی است که ارواح نیکوکار در آن به سعادت جاوید می‌رسند. این دیدگاه از ابتدای تاریخ با بشر بوده و مهمترین تفکرات وی درباره حیات پس از مرگ را به خود اختصاص داده است (ساربانقلی و زاهدیان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲). در فرهنگ اسلامی، درخت دالی است برای مفاهیم جاودانگی و سرزندگی. از این رو آوردن نقش درخت بروی کاشی‌های آثار معماری اسلامی، تجدید دوباره نعمتها، و جاودانگی در باغ مقدس بهشت را بشارت میدهد (طهوری، ۱۳۸۱، ص ۸۵). معماران مسلمان، همواره کوشیدند با برقراری ارتباطی نزدیک و مأنوس با طبیعت پیرامونی، برای کشف راز و رمزهای نهانی خلقت، گام بردارند. اینان همزمان با برقراری این ارتباط، با بهره‌گیری از بیانی نمادین و استعاری، در قالب صور فیزیکی و فضایی کیفی، به خلق آثاری رازگونه و در عین حال قابل درک همت گماردند تا از این رهگذر، احدیت و وحدانیت ذاتی مقدس را به تصویر بکشاند و آدمی را شایسته حضور در وادی او گردانند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

تفکر در رابطه طبیعت، اجزا و عناصر آن، قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی و همچنین غور در



هماهنگی و تعادل موجود در کائنات به عنوان تجلی علم و قدرت الهی یکی از مقولات بسیار مهمی است که متون اسلامی، به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، موکدا انسان را به آن ترغیب و توصیه مینماید و قرآن تمام عالم طبیعت را یکسره آیه و نشانه برای شناخت ماورای طبیعت میخواند از این رو است گفت تعالیم اسلامی مسلمین را به این نکته بنیادین یادآور میگردد که تماس با طبیعت و تفکر و مذاقه در آن احساس تذکر را در انسان به وجود آورده و مطمئنا او را به سوی شناختی بهتر و آگاهانه تر نسبت به اصول اساسی اسلام، همچون توحید رهنمون خواهد کرد (امینزاده، ۱۳۷۹، صص ۵۵-۵۴) (جدول شماره ۱).

جدول ۱. چگونگی تجلی اصل طبیعت در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان			
			
در تمامی این خانه‌ها موارد ذیل مشاهده می‌گردد: - استفاده از منابع طبیعی نظیر نور آفتاب، هوا، آب، فضای سبز و غیره. - برای هماهنگی با طبیعت از تزئینات اضافی خودداری شده است. - ارتباط با زمین و آسمان به گونه‌ی مشخص. - ترکیب ساختمان با طبیعت به معنای تلفیق اجزاء نسبت به کل و کل نسبت به جزء. - احترام به محیط طبیعی، تلفیق حجم و فرم طبیعی به گونه‌ای که هریک مکمل یکدیگرند. - استمرار نمایش مصالح از داخل بنا به خارج بنا. - به کاربردن عنصر خط برای بیان بهتر. - احترام به فطرت و ذات مصالح به همان گونه‌ای که هستند. - استفاده از حیاط‌های داخلی درخت کاری شده و معطوف ساختن فضاهای زندگی به این حیاط‌ها از عمده‌ترین ویژگیهای معماری این اقلیم است.	 خانه احسان	بهره‌گیری از عناصر طبیعت	
	 خانه آل یس		
	 خانه لذیزی		

۲- رعایت اصل عدم اشراف در سازماندهی انتظام فضایی مسکن

سوره احزاب آیه ۵۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّهَ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَسِينٍ لِخَبِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيُّ فَيَسْتَحْيَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيَ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا، (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هرگاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می‌دهد، اما او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

تفسیر: اینکه خدای عز و جل فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» سبب نزولش این بود که چون رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با زینب دختر جحش ازدواج کرد، و او را دوست می‌داشت، پس ولیمه‌ای درست کرد و اصحابش را به آن ولیمه دعوت کرد، و اصحاب بعد از خوردن غذا دوست می‌داشتند بنشینند، و با هم گفتگو کنند، و آن جناب دلش می‌خواست میهمانان خانه را برای او و همسرش خلوت کنند، پس خدای عز و جل این آیه را فرستاد که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های رسول نشوید، مگر بعد از آنکه به شما اجازه داده شود، چون قبلاً بدون اجازه هم داخل می‌شدند، و این آیه این

کار را منع کرد، و نیز گفتگو کردن با همسران آن جناب را بدون پرده و حائل منع نمود (ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۵۱۵).

حدیث: امام صادق (علیه السلام) در روایت نواهی فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سرک کشیدن به خانه همسایه نهی کرده و فرموده است: کسی که عمداً به محل حیا و حریم مرد مسلمانی یا غیر اهل خود نگاه کند، خداوند او را همراه منافقان محشور مینماید (من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، ص ۱۳).

توضیحات: مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان، موردی است که آسایش خانواده سخت بدان وابسته است در نتیجه مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده باید به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند به طور مثال مکانهایی از مسکن مثل حیاط یا محل اجتماع خانواده باید از دید و دسترسی بیگانه در امان باشد. در حالی که اتاقهای خاص باید از دید سایر اعضای خانواده نیز دور باشد (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۴۸). معمار سنتی براساس فطرت پاک خود و با تکیه بر اصول دین به ساختن مسکن می‌پردازد. یکی از مهمترین اصولی که آموزه‌های اسلامی در رابطه با خانواده و در روابط اجتماعی به آن توصیه کرده پوشاندن دید و ایجاد حریمیت است؛ آنجا که می‌فرماید: به مردان و زنان مومن بگو دیدگان خویش را از نگاه غریبه‌ها باز گیرند و زینت خود را، جز آنچه آشکار است، آشکار نسازند. معمار سنتی هم با توجه به این اصل اقدام به طراحی مسکن سنتی می‌کند. تحقق مفهوم بیرونی و اندرونی، که با آداب زندگی یک خانواده مسلمان هماهنگی دارد پاسخی معمارانه به خواست فطری ساکنان که همانا حجاب داشتن و محفوظ ماندن از دید نامحرمان می‌باشد، است و در عین حجاب داشتن، حرمت و احترام میهمانان باقی میماند و بدین صورت با حفظ حریم اهل خانه، زندگی خانوادگی به هنگام میهمانی‌ها مختل نمی‌گردد و باعث افزایش آرامش روانی میشود (مسائل، ۱۳۸۸، ۳۱-۳۲). جداسازی قاطع عمیق فضاهای حضوری و داخلی، از فضاهای خارجی و عبوری، با استفاده از مفصل بندیهای متعدد برای تشدید این جداسازی و ایجاد درونگرایی و حریمیت کامل با تأمین فضاهای باز داخلی که مطلوب و آرام و خودی هستند (نقره‌کار، ۱۳۹۲، ص ۱۸۳).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۴۴۰ ■

معمار سنتی ورودی مسکن را همچنین به گونه‌ای طراحی نموده است که مصداق آیه شریفه حجاب گردد. او با طراحی هشتی در ابتدای ورود، عرصه عمومی بیرون خانه را از عرصه خصوصی درون خانه، با رعایت بسته بودن دید نامحرمان، کاملاً مجزا میکند. در این فضا، با ایجاد سکوهایی در بدنه هشتی، میهمانان غریبه و نامحرمان پذیرایی اولیه میگردند. در این فضا، معمار سنتی با توجه به خواست دینی ساکنان اقدام به خلق و ابداع فضا با مفهوم جدید مینماید. یکی دیگر از مصداقهای حریمیت و ایجاد آرامش روانی، طرح خانه‌ها بصورت درونگرا و رو به درون است. در اینگونه خانه‌ها امکان اشراف و احاطه از بیرون خانه به درون آن منتفی میگردد. و همچنین مرکز خانه و حیاط مرکزی از سر و صدای کوچه و فضاهای عمومی اطراف در امان میماند. این نوع تفکیک و استقلال خانه از محیط پیرامون، خود باعث به ارمغان آوردن آرامش به درونی میگردد (مسائلی، ۱۳۸۸، صص ۳۱-۳۲) (جدول شماره ۲).

جدول ۲. تجزیه و تحلیل کالبدی مسکن سنتی از منظر عدم اشراف براساس آیات و روایات، مأخذ: نگارندگان				
↑ شکستگی ورودی ↑ اشراف مرز تفکیک ● اندرونی ● بیرونی				
بررسی دید و عدم اشراف در خانه‌ها	خانه احسان	دید داخل به خارج: وجود ندارد. دید داخل به داخل (حیاط مرکزی) وجود دارد. دید خارج به داخل: وجود ندارد (جز درب ورودی).	دید از درب ورودی: ورودی اصلی تا یک هشتی و ورودی فرعی تا یک فضای تقسیم از فضاهای زندگی جدا شده و هیچ دیدی ندارد.	وضعیت حریمیت و دید: مطلوب
	خانه آل یس	دید داخل به خارج: وجود ندارد. دید داخل به داخل (حیاط مرکزی) وجود دارد. دید خارج به داخل: وجود ندارد (جز درب ورودی).	دید از درب ورودی: ورودی با یک هشتی و دالان نسبتاً طولانی به فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی میرسد و هیچ دیدی به فضاهای خصوصی ندارد.	وضعیت حریمیت و دید: مطلوب
	خانه لذیذی	دید داخل به خارج: وجود ندارد. دید داخل به داخل (حیاط مرکزی) وجود دارد. دید خارج به داخل: وجود ندارد (جز درب ورودی).	دید از درب ورودی: ورودی توسط یک دالان نسبتاً طولانی به دیگر فضاها رسیده است و هیچ دیدی ندارد.	وضعیت حریمیت و دید: مطلوب

۳- تجلی مفهوم همجواری در کالبد مسکن

سوره آل عمران آیه ۲۰۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ترجمه؛ ای اهل ایمان صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و با یکدیگر در ارتباط باشید و از خدا بپرهیزید، شاید که رستگار شوید.

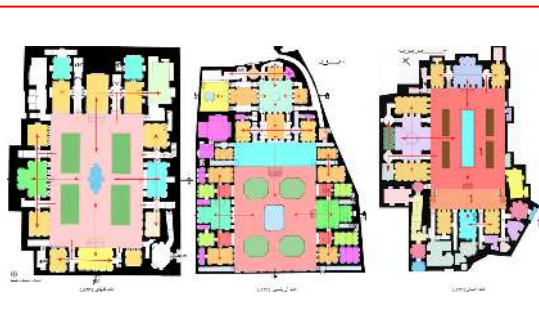
تفسیر؛ در این آیه همه افعال بصورت امری، مطلق و بدون قید است، (مربطه) از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد، اما مربوطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمیع شئون زندگی اجتماعی دینی، چه در حال شدت و چه در حال خوشی، و مراد از این مربوطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد، چون اگر این ارتباطات نباشد ممکن است، صبر هر کس به تنهایی یا علم هر کس به تنهایی یا مال هر کس به تنهایی سعادت آور باشد، اما نه سعادت کلی و تام و حقیقی. لذا در ادامه میفرماید: اگر با تقوی بوده و به حدود الهی پایبند باشید، در این صورت به هدف نهایی خود یعنی رستگاری حقیقی خواهید رسید (ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۴، ص ۱۴۴).

حدیث؛ دو گروه هستند که خداوند در روز قیامت به آنها نگاه نمیکند: کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کرده و همسایه بد (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۴۹۴، ص ۲۵۸). زمانی که دو نفر همزمان تو را دعوت کردند، دعوت کسی که خانه‌اش به تو نزدیکتر است را قبول کن زیرا او همسایه تو است (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۶۸۵، ص ۲۸۳).

توضیحات؛ خانواده کوچکترین اجتماعی است که ارتباطاتی با خویش، با اعضای خود و با جهان خارج دارد. طبیعتاً هر یک از این ارتباطات، نیازمند فضاهایی مناسب برای فعالیتهای فردی و جمعی است که در مسکن رخ میدهند ارتباطات این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسباتشان با ویژگی-ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح هستند و همچنین تناسباتشان با فعالیتهای مرتبط، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب می-نمایند بنابراین، مسکن مناسب، شرایط مناسب را برای زیست ساکنین خویش به عنوان یک واحد

بنیادین اجتماعی، نوع اشتغال، ویژگیهای وسایل ارتباط جمعی، تمایل به جدایی از خانواده در میان جوانان، ترک خانواده از سوی جوانان و تنها نهادن سالمندان، تغییر در سازمان فضایی مسکن و میل به دارا بودن فضایی اختصاصی (اتاق) از سوی تکتک افراد خانواده و بسیاری موضوعات از این دست، به عنوان عوامل دوری اعضا خانواده از یکدیگر عمل میکنند، بر برنامه‌ریزان و طراحان است که به طریق مناسب در جهت تضعیف تأثیر این عوامل و تقویت ارتباط اعضای خانواده با استفاده از ویژگیها و آئینها و مراسم و ارتباطات فرهنگی اقدام کنند. و خانه‌ها را از محل ملاقاتهای احتمالی و حتی اجباری اعضا آن برهانند (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۵۳). ارتباطات صحیح فضاهای داخلی به گونه‌ای است که اولاً غریبه‌ها به فضای داخلی تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خانواده نیز به طریق مناسب از هم تفکیک شوند (همان، ص ۴۴۸). این بدان معناست که مسکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد و خانواده را فراهم می‌آورد. از بروز مزاحمت‌های بصری، صوتی، روانی و امثال هم پیشگیری میکنند (همان، ص ۴۵۲) (جدول شماره ۳).

جدول ۳. چگونگی تجلی مفهوم همجواری فضاها در کنار یکدیگر در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان بسط فضایی و ارتباط بین فضاها



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۴۴۲

۴- تجلی مفهوم عدل در کالبد مسکن

سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

ترجمه؛ بگو: پروردگارم به عدل و داد فرمان داده و اینکه نزد هر مسجدی (هنگام نماز) روی خویش را به سوی او بدارید و او را بخوانید، در حالی که دین را برای او خالص می‌سازید. آنگونه که شما را در آغاز آفرید، باز خواهید گشت.

تفسیر؛ عدالت مفهوم وسیعی دارد که همه اعمال نیک را در بر می‌گیرد، زیرا حقیقت عدالت آن است که هر چیز را در مورد خود به کار برند و به جای خود نهند. مفهوم وسیع این دو کلمه (قسط و عدالت) مخصوصاً به هنگامی که جدا از یکدیگر استعمال می‌شوند تقریباً مساوی است و به معنی رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و هر چیز را به جای خویش قرار دادن می‌باشد (تفسیر نمونه، جلد ۶، ص ۱۴۴).

حدیث؛ رسول خدا (صلی الله علیه و اله) میفرماید: اگر یکی از شما به شهری داخل شد که سلطان عادل ندارد اصلاً در آن جا اقامت نکند (نهج الفصاحه، حدیث ۷۵۷، ص ۱۴۱). امام صادق (علیه السلام) سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش (تحف العقول، ص ۳۲۰).

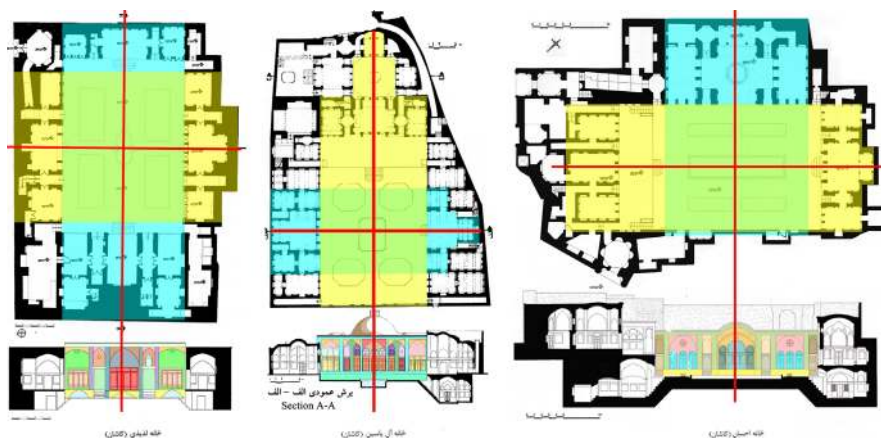
توضیحات؛ تعادل، بارزترین ویژگی و بنیادترین اصل حاکم بر عالم وجود که مشتق از عدل می‌باشد، بیان شده است (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۵۹). مفهوم تعادل در قرآن کریم مکرراً آمده است، همچنین در برخی از مکاتب خاص فلسفه اسلامی میزان به عنوان تعادل عالم تعبیر شده که به برکت حکمت خداوند هر شی را در جای خود قرار می‌دهد و همه اشیاء را براساس مقدار و اندازه صحیح و عادلانه‌ای خلق کرده تعبیر شده است، به همین جهت این اصطلاح رابطه نزدیکی با نظام حاکم بر طبیعت دارد (نصر، ۱۳۸۴). اهمیت تعادل در پدیده‌ها به حدی است که نه تنها رعایت آن در تنظیم روابط اجزا هر پدیده، ضروری قلمداد می‌شود، که فراتر از آن ایجاد تعادل بین قوانین حاکم بر آنها نیز از ضروریات توفیق در اهداف خلق پدیده‌ها تلقی می‌گردد (بمانیان و صالح، ۱۳۹۰، ص

۶۸). تعادل و عدالت را میتوان یکی از ویژگیهای جوامعی دانست که به تولید تمدن و فرهنگ روی آورده‌اند. نخستین مبحثی که در روند طراحی مطرح میشود، درباره ترکیب و چگونگی اجزای آن است؛ چرا که هر طراحی هنگامی منطقی خواهد بود که عناصر تشکیل‌دهنده آن به گونه‌ای هماهنگ ترکیب شده باشند. بنابراین معماری مجموعه-ای از عناصر است که به گونه‌ای با هم ترکیب شده‌اند، و شکل چگونگی آن به چگونگی ترکیب عناصر تشکیل‌دهنده آن بستگی کامل دارد. تعادل نیز هماهنگی میان تکتک بخشهای شکل‌دهنده فرآیند، فضا و بنای معمار را به ارمان خواهد آورد (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

تمام عالم هستی به تبعیت از عدل الهی به راهی مشخص می‌روند؛ طبیعت نیز یکی از اجزای این عالم است. انسان در طبیعت دخل و تصرف و با مواهب موجود در آن محیط مصنوع خود را بنا می‌کند. حفظ تعادلهای محیطی یکی از مسائل مرتبط با حیات سالم بشر است که از مسائل متعددی تشکیل شده است. هر ساختمان برای ایستایی در درجه اول به تعادل نیاز دارد. اصول معماری اسلامی، بر مبنای تعادل که سبب آرامش بیننده میشود، بنا نهاده شده است. این موضوع از اسپانیا تا مالزی که گستره معماری اسلامی است دیده میشود (همان، ۱۹). فشار روانی مضاعفی که از سوی بناهای ساخته دست انسان بر وی و بر روان او وارد میشود، یکی از مشکلات شهرهای معاصر است. شهر باید بتواند پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان را از طریق فراهم آوردن اماکن و فضاهای مرتبط با هر کدام از نیازها از طریق تعادل فضایی بین فرمها، اشکال اماکن و فضاهای مختلف از طریق مکان‌یابی متوازن و هماهنگی عملکردهای پاسخگو به نیازهای مختلف انسان و نیز از طریق ارتقای آگاهی دانش و جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل عهده‌دار شود (امینزاده و نقیزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۶-۲۵). در نمونه-های موردی، پلان خانه‌ها در کلیت خود دارای فرم مستطیلی متعادل است. تعادل موجود تعادل محوری است. پلان کلی ریزضا نیز فرم مستطیلی دارد که فرم تا حدودی متقارن دارای محور متعادل است. در این خانه‌ها نیز حیاط عامل تعادل بخش به

فرم است؛ به گونه‌ای که فضاهای اطراف حیاط در تعادل کامل هستند. نماها در اطراف حیاط مرکزی از تعادل کامل و تقارن برخوردارند. این تعادل از نوع محوری بوده و با تکرار پنجره‌های اتاقها (سه دریاها) در طرفین طاق مرکزی ایجاد شده‌اند. به طور کلی عامل تعادل بخش در این گونه خانه‌ها حیاط مرکزی، طاق مرکزی نما، سه و پنج دریاها و حوض آب می‌تواند باشد (جدول شماره ۴).

جدول ۴. چگونگی تجلی مفهوم عدل در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان
* خطوط افقی و عمودی قرمز رنگ نشانگر محورهای تعادل در نما و پلان میباشند.



تعادل نسبتاً زیاد، در اطراف حیاط مرکزی و تعادل نسبی در کلیت پلان. چیدمان فضاها در اطراف حیاط براساس حریم اطراف زمین هماهنگ شده است و براساس نیاز و کاربری چیده است.

خانه احسان

تعادل زیاد. تعادل در کلیت، زیاد و در جزئیات نسبتاً زیاد است. در این خانه نیز با توجه به بستر و حریم زمین بنا و نیازهای کاربردی مجموعه، چیدمان حیاط و فضاهای اطراف صورت گرفته است. در هر حیاط مرکزی نیز کاربریها بنا به شرایط و مستلزمات آن قرار گرفته است.

خانه آل یس

تعادل نسبتاً زیاد. طراحی متناسب با بستر طراحی شده است. راهرو ورودی، چیدمان کلی بنا ناشی از اهمیت هر بنا متناسب با کاربری و نیاز.

خانه لذیذی

عدل؛ به معنای
قرارگیری هر چیز در
جایی که باید باشد.

۵- تجلی اصل سلسله مراتب در کالبد مسکن

سوره طه آیه ۷۵: وَ مَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى.

ترجمه؛ و هر کس در حالی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشد، نزد او آید، پس برای آنان درجات عالی و برتر است.

تفسیر؛ کلمه (درجه) به طوری که راغب در مفردات گفته به معنای منزلت است، لیکن در این ماده صعود نیز باید باشد، مانند درجات نردبان، و در مقابل آن (درکه) است که به معنای منزلت رو به پایین است، لذا گفته می‌شود: درجات بهشت، و درکات جهنم، و کلمه (تزکی) به معنای رشد و نمو به نمای صالح است، و در انسان به این است که با اعتقاد حق و عمل صالح زندگی کند (تفسیر نمونه، جلد ۱۳، ص ۲۵۲).

حدیث؛ دوست داشتنی ترین مکانهای شهر نزد خداوند مساجد و منفورترین مکان شهر نزد خدا بازارها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۴۴۴

هستند (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۵۳۰، ص ۱۰۳).
توضیحات: سلسله مراتب از اصولی است که بیشترین تأثیرات را در شکل‌گیری محرمیت در کالبد معماری و شهرسازی سنتی ایران دارا می‌باشد. در لغت-نامه‌ی جغرافیا سلسله مراتب عبارت است از: «هر گونه نظم‌ی از عوارض و پدیده‌ها که به صورت یک طبقه‌بندی یا رتبه‌بندی ذکر شود» (مایه‌پو، ۲۰۰۳، ص ۲۴۷). سلسله مراتب محرمیت در خانه با تعبیر سلسله مراتب حضور و محرمیت شناخته می‌شود (وثیق و پشوتنیزاده، ۱۳۸۸، ص ۵۶). بحث سلسله مراتب، سخنی است میان درون و برون، چرا که حس فضای برون را در آهنگ حال و هوای درون نمیتوان یافت و به عبارتی، درون، فاقد این خواص است و احوال برون را نمیتوان به درون راه داد (شیرازی، ۱۳۸۸). پهنه شهر محل فعالیت‌های دنیوی و خانه محل آرامش و راز و نیاز با حضرت احدیت است. برای گذر از مکان اول به فضای دوم، آداب و اسباب و مقدماتی لازم است که عمده-ترین نقش آنها دگرگونی ذهن شخص و توجه او به کسی است که می‌خواهد با او سخن بگوید و توجه به راز و نیازی است که در پی انجام آن است (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۳۷۰). رعایت سلسله مراتب در سازماندهی ارتباط فضاهای مرتبط اعم از بیرونی و درونی موردی است که کمک شایانی به پالایش ذهن و آمادگی انسان میکند. میتوان گفت این اصل بر بسیاری جنبه‌های نظری و عملی زندگی انسان حاکم است وجه و لزوم و توصیه به منازل گوناگون متوالی، روشن‌گر این مطلب است که اولاً هر منزل جای هر کسی نیست و در این سلسله مراتب منازل، هر منزل، هر فضا، هر حریمی با ویژگی‌های خاص خود به عده‌ای خاص تعلق دارد. که شایستگی‌ها و بایستگی‌های لازم را تحصیل نکنند. امکان وصولشان به آن منزل و همچنین امکان عبورشان از آن منزل برای رسیدن به منزل بالاتر میسر نیست (همان، ۳۷۰). اصل سلسله مراتب در معماری سنتی حریم‌های خصوصی را با ایجاد شکستگی در محورهای حرکت از دیگر فضاها جدا می‌کرده است (آیوازیان، ۱۳۷۶، ص ۴۹). اصل سلسله مراتب که ارتباط قلمروهای محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) تعریف و تعیین میکند. به

دلیل ویژگی‌های مسکن که آن را مسکن نامیده‌اند از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با مسکن، سلسله مراتب را میتوان در دو وجه بیرونی و اندرونی مورد مذاقه قرار داد. سلسله مراتب بیرونی به ارتباط داخل مسکن با سایر فضاها و عملکردهای پیرامون آن می‌پردازد. در حالی که سلسله مراتب درونی بر تبیین ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز است. تأثیر اصل سلسله مراتب بر معماری مسکن، به تبیین مراتب و نحوه ارتباط قلمروهای مختلف (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) می‌پردازد و حد و حریم و فضاها و عناصر ارتباطی هر یک را تعیین مینماید (نقیزاده، ۱۳۸۷، صص ۴۵۸-۴۵۷). در خانه‌های قدیمی ورود به حیاط تابع یک سلسله مراتب فضایی است که فرد پس از عبور از آنها وارد حیاط میشود. پس از ورود به هشتی در مسیر دالان به حیاط وارد میشویم دالانی که هشتی را به حیاط وصل میکند، نیمه تاریک است. فضا به تدریج روشن‌تر میشود؛ آنقدر که همزمان و هم‌مکان به روشنی و به حیاط می‌رسیم (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). این سیر از فضای بیرون به حیاط، یک تجربه بسیار غنی را برای فرد به ارمغان می‌آورد. و آن القای حسی از درون است (همان، ۱۶۵). در خانه‌های ایرانی ورود به داخل خانه سلسله مراتبی از فضای باز به بسته را طی می‌کرده است مراتب فضایی ورود به این صورت بود است از: فضای باز به فضای پوشیده (نیمه باز، بینابین و حریم) و از آنجا به فضای بسته (بمیان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷) (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: چگونگی تجلی سلسله مراتب در مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



۶- تجلی اصل تناسب و توازن در کالبد مسکن

سوره حجر آیه ۱۹ و ۲۱؛ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ. و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و در آن از هر چیز سنجیده و به اندازه، رویانیدیم. و هیچ چیز نیست مگر آنکه منابع و گنجینه‌های آن نزد ماست و ما جز به مقدار معین فرو نمی‌فرستیم.

تفسیر: کلمه «موزون» از «وزن» و به معنای سنجیدن اجسام از جهت سنگینی است، لیکن آن را عمومیت داده و در اندازه‌گیری هر چیزی که ممکن باشد آن را اندازه‌گیری کرد، از قبیل اندازه‌گیری طول با وجب و یا ذراع و امثال آن، و اندازه‌گیری حجم، و اندازه‌گیری حرارت، و نور، و نیرو، و غیر آن استعمال کرده‌اند. (قدر) یعنی مبلغ و مقدار و کمیت معین هر چیز. به عبارتی دیگر مراد از (قدر) خصوصیت وجودی و کیفیت خلقت هر موجود است و اینکه فرمود (قدر معلوم) دلالت میکند که قدر هر موجودی برای خدای تعالی در آن زمانی که نازل میشود، معلوم است، یعنی هر موجودی قبل از وجودش معلوم القدر است و خدا برای او حدی قرار داده که از آن تجاوز نمیکند، پس قدر و کمیت هر چیز از نظر علم و مشیت مقدم بر آن چیز است هر چند که به حسب وجود مقارن با آن بوده و از آن جدا نمیشود (ترجمه المیزان، جلد ۱۲، ص ۲۰۵).

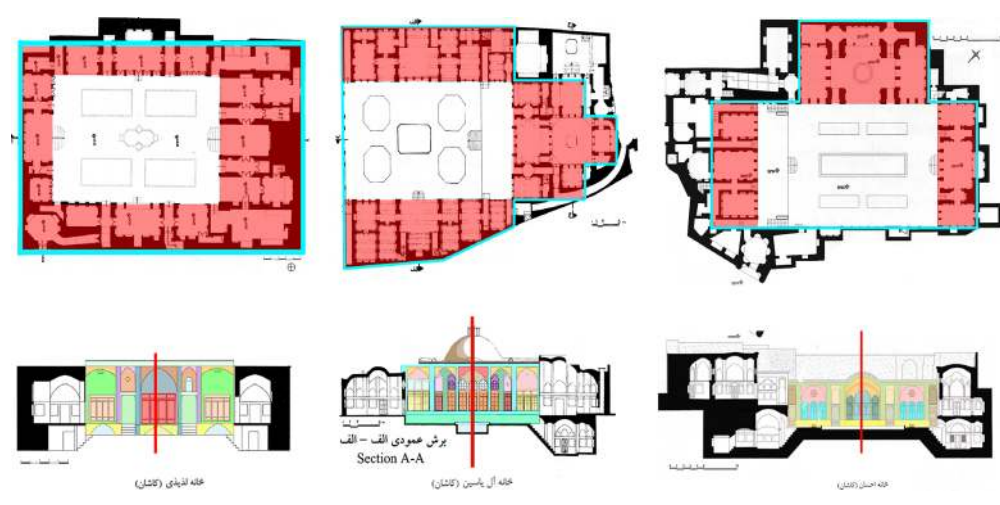
حدیث: امام رضا (علیه السلام) به یونس بن عبدالرحمن فرمودند: آیا میدانی که قدر چیست؟ یونس پاسخ داد: خیر، حضرت فرمودند: قدر همان هندسه و مرزبندی است، مانند مقدار بنا و زمان فنا (عیون الاخبار الرضا ع، دینوری، ص ۱۵۴).

توضیحات: تناسب ارزشی است ذهنی و فقط در ارتباط با شکل قابل بررسی است (گروتز، ۱۳۹۰، ص ۳۶۰). تناسب به ما این خبر را میدهد که بین اندازه‌های مختلف چه نسبت‌هایی وجود دارد (همان، ص ۳۶۸). تناسب تابع مقیاس است و تناسب مقیاس جزء ضروریات هر ترکیب محسوب میشود. در معماری ایران، اولین اصل، مردم‌واری است که به معنای داشتن مقیاس انسانی است در اینباره از واحدهای کوچکی چون پیمون بهره میگیرند.

که آن نیز با ابعاد انسانی مرتبط است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). تناسب یکی از اصول اولیه‌ی اثر هنری است که رابطه بصری میان اجزای آن را بیان میکند. یکی از دلایل زیبایی یک اثر تجسمی وجود تناسب میان رنگها، خطها، سایه-روشن و شکلهای آن است. میتوان در یک تابلوی نقاشی روابط متناسبی میان خطوط سیال خیال-انگیز، رنگها و وسعت سطوح برقرار کرد. و یا در یک اثر حجمی روابط مناسبی میان فرورفتگی‌ها و برجستگیها، فضای منفی و مثبت، بافتها و سطوح مختلف ایجاد کرد، همانطور که گوش یک نوازنده بلافاصله وجود یک نت خارجی را تشخیص میدهد، یک دیدهی حساس و کارآزموده به سرعت عدم تناسب را در رنگها و شکلهای یک اثر تجسمی میبیند (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۶۰) (جدول شماره ۶).



جدول ۶. چگونگی تجلی اصل تناسب در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان

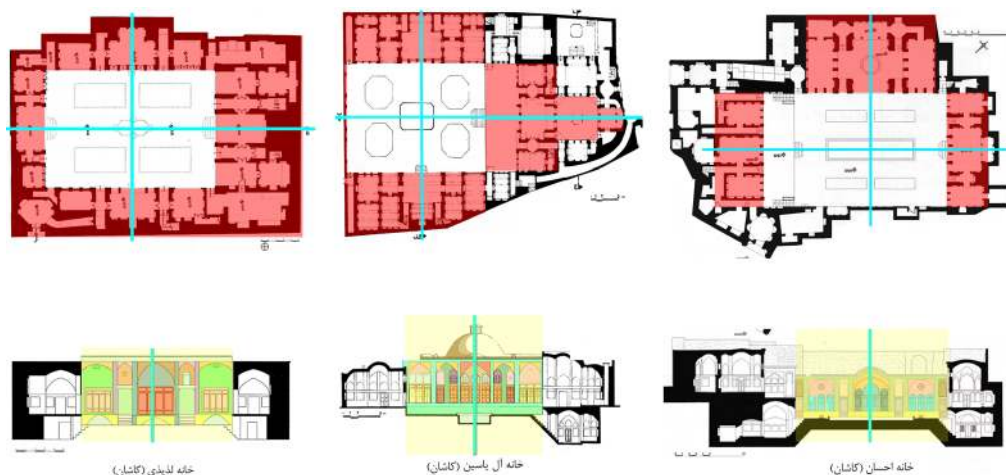
		
خانه احسان	بررسی تناسب در پلان و نمای واحد مسکونی	طراحی متناسب با بستر در این خانه نیز دیده میشود. چیدمان فضاها در اطراف حیاط براساس حریم اطراف زمین هماهنگ شده است و براساس نیاز و کاربری چیده است.
خانه آل یس		تمامی فضاها متناسب با بستر طراحی شده است. در این خانه نیز با توجه به بستر و حریم زمین بنا و نیازهای کاربردی مجموعه، چیدمان حیاط و فضاهای اطراف صورت گرفته است. در هر حیاط مرکزی نیز کاربریها بنا به شرایط و مستلزمات آن قرار گرفته است.
خانه لذیذی		طراحی متناسب با بستر طراحی شده است. راهرو ورودی، چیدمان کلی بنا ناشی از اهمیت هر بنا متناسب با کاربری و نیاز.

توازن

توأم است. ریتم از مقیاس قویتر است؛ زیرا با ریشه احساس سرو کار دارد. که یکی از ویژگیهای معماری عمیقتر است. تأثیر ایجاد شده توسط ریتم، ذاتی است. ریتم جزیی از جریان زندگی است که ما با آن تنفس میکنیم و این سریعترین واکنش انسان به ریتم است که با آن هماهنگ میشود. ریتم گاه بصورت متقارن و گاه بصورت منظم سرعت بیشتری مییابد و به اصطلاح کیفیت شادتری به خود میگیرد. از اینرو انتخاب هر طرح ساختمانی با ریتم و تناسب متوازن که بتواند احساسات دلخواه معمار را در تماشاگر بیدار کند، از وظایف اصلی معمار و هنر خلاقه اوست (مایس، ۱۳۸۳، صص ۲۵۶-۲۵۵) (جدول شماره ۷).

هرگاه در یک اثر تجسمی انرژی بصری اجزای آن با یکدیگر و نسبت به کل اثر متعادل باشند، آن اثر دارای ترکیبی متوازن خواهد بود. اگر چه ممکن است اجزای آن نسبت به یکدیگر قرینه نباشد در واقع توازن بیانکنندهی روابط متعادل عناصر بصری در یک ترکیب غیر متقارن است (همان، ۷۱). در مواردی که انگیزه ایجاد طرح، فضای درونی است، محور اصلی توجه توأمان به تعادل و توازن است. در بسیاری از خانههای سنتی، اگر چه در حفظ اصول هندسی تقارن و مرکزشان تلاش شده، اما تقارنشان در پاسخگویی به فشارهای محیطی از هم پاشیده و به توازن نیانجامیده است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). برای شناخت تعادل باید توازن را شناخت. توازن با ریتم و توارتر همراه و

جدول ۷. چگونگی تجلی اصل توازن در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



خانه احسان	توازن در پلان: توازن نسبتاً زیاد در اطراف حیاط مرکزی و توازن نسبی در کلیت پلان. توازن در نما نسبتاً زیاد.	بررسی توازن در پلان و نمای واحد مسکونی
خانه آل یس	توازن در پلان: زیاد توازن در نما و جزئیات نما زیاد است.	
خانه لذیذی	توازن در پلان: توازن نسبتاً زیاد در اطراف حیاط مرکزی و توازن نسبی در کلیت پلان. توازن در نما نسبتاً زیاد.	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۴۴۸ ■

۷- تجلی مفهوم وحدت هندسی در کالبد مسکن

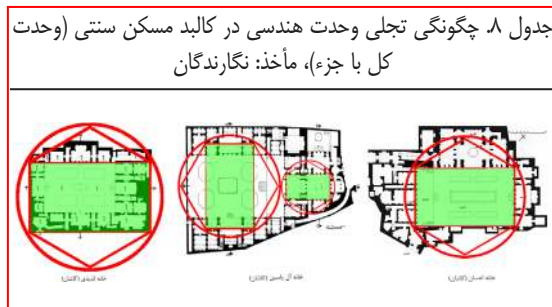
سوره مؤمنون آیه ۵۲: وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ.

ترجمه: و البته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید. **تفسیر:** این آیه به وحدت و یگانگی جامعه انسانی، و حذف هر گونه تبعیض و جدائی دعوت می‌کند، همانگونه که او پروردگار واحد است انسانها نیز امت واحد هستند. به همین دلیل باید از یک برنامه پیروی کنند همانگونه که پیامبران نیز به آئین واحدی دعوت می‌کردند که اصول و اساس آن همه جا یکی بود: توحید و شناسائی حق، توجه به معاد و زندگی تکاملی بشر و استفاده از طبیعت و انجام اعمال صالح، و حمایت از عدالت و اصول

انسانی. آیه بعد به دنبال دعوتی که به وحدت و یگانگی در آیه قبل شد، انسانها را از پراکندگی و اختلاف با این عبارت بر حذر می‌دارد: اما آنها کارهای خود را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند: فقطعوا امرهم بینهم زیرا (تفسیر نمونه جلد ۱۴، ص ۲۵۸).

حدیث: در شهرهای بزرگ و (مسلمان نشین) سکونت کن زیرا؛ مرکز اجتماع مسلمانان است، و از جاها و مناطقی که مردم آن از یاد خدا غافلاند، و به یکدیگر ستم (و جفا) روا میدارند و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمیکنند، پرهیز (نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۶۹، بند ۹، ص ۶۱۰). کسی که به اندازه یک وجب از مسلمانان دور شود خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می‌آورد (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۳۰۵، ص ۶۲).

فضاهای داخلی و خارجی، در نمود بصری وحدت و حضور خداوند، حضوری که در همهجا محسوس است مؤثر است همچنین استفاده از هندسه مرکزگرا در بیان بصری معنای وحدت در کثرت و کثرت در وحدت مناسب است (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۴۳). معماران سنتی با توسل به هندسه و با درک و تجسم فضایی و نیز آگاهی از کم و کیف آن، تناسبات و ابعاد را تعیین و ساختار اصلی خانه سنتی را ایجاد میکردند، این هندسه در ساختار آشکار بنا به صورت خطوط و تناسبات صورت بنا را ترسیم میکرد، ولی در باطن اشاره و رمز آن حقیقت معنوی پنهان است. فضاهای خانه سنتی وسیله برقراری همبستگی و کلی بین عوامل مؤثر در طراحی خانه میباشد. هندسه که از مربع، دایره، و اشکال منتظم تشکیل شده در مکانهای مختلف یکسان است اما راههای طرح و استفاده از خطوط، تناسبات و ایجاد مفاهیم مختلف و پنهان در معماری بسیار متفاوت میباشد (مسائلی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) (جدول شماره ۸).



خانههای تاریخی دارای هندسه‌ای از اشکال مربع و مستطیل میباشند و این اشکال در فضای مختلف مانند اتاقهای سهدری یا پنجدری بسته به کاربرد فضا بزرگ یا کوچک میباشند این تناسبات براساس اندازه فرشهای ایرانی در نظر گرفته میشدند و نیز تناسبات انسانی و نیز نیاز وی به فضا برای انجام فعالیتهای مختلف مانند خوابیدن، نشستن و غیره طراحی میشده است (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۶۰) (جدول شماره ۹).

توضیحات: طبیعت جمادی و گیاهی و حیوانی مظهر کثرت انواع شکلهای و رنگها، بافتها و بوهای متنوع و دلپذیر است و این کثرت به حفظ همه جاذبههای آن در هندسه‌ای منظم و قرینه‌سازی شده معماری میشود و بر حول محورهای فضاهای اصلی ساختمان و ایوانها و محلهای عبور و مرور به گونه‌ای سامان میدهد که قطب و قلب محوطه آب حیات آفرین و وحدت‌بخش و دل بر آسمان سپرده قرار میگیرد (شهیدی و بمانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۰). این مفهوم که بر مبنای اصل توحید در جهان-بینی اسلامی پایه‌ریزی شده، پدید آورنده اصل حرکت از کثرت به وحدت بوده است. این مهم، معماران را بر آن داشت تا اثری را خلق نمایند که تجلیگاه اندیشه‌های توحیدی و فراطبیعی و اعتقاد به خدایی واحد باشد. آنان در تجسم وحدت و تجلی اندیشه توحیدی خود، از مفاهیمی چون عدالت- که ویژگی بارز خداوندی است- و از عناصری چون هندسه، نور و وزن در بستری عظمت‌گرا، متمرکز با حضور مکرر عناصر که تنها ذکر خالق یگانه را میگویند، بهره برده‌اند. تأکید آنان بر کانون و مرکزیت فضایی، جفتسازی و تقارن، محوربندی و جایگزینی فضاهای اصلی بر روی محورهای اصلی، از جمله تکنیکهایی است که معماران جهت تجلی مفهوم والای وحدت، در قالبی مادی و فیزیکی از آنان بهره جسته‌اند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۵۶). هندسه در علوم اسلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در ساحت هنر اسلامی، باز آفریننده صور قرآن دارد (بلخاری، ۱۳۸۸، ص ۳۹۸). معماری با نکات بسیاری از قبیل بعد، تناسب، تعادل و نظایر اینها همراه است. که وجود آنها جایی برای انکار ندارد. پس از ظهور اسلام، معماری ایران با زمینه-ای که از پیش از اسلام داشت حرکت‌های تازه‌ای در معماری ایران انجام داد. هندسه و تناسبها جایگاه وسیعی در معماری ایران داشته است. به طور کلی، ایرانیان بر این باور بوده‌اند که تمامی آفریدههای انسان و طبیعت پذیرای قوانین ریاضی مانند تشابه، تقارن، هندسه هستند (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). هندسه ایرانی علاوه بر دخالت‌های اصولی، وسیله برقراری نظم و همبستگی عمومی و کلی بین تمام عوامل مثبت است (ابوالقاسمی، ۱۳۶۵). استفاده از الگوهای هندسی هماهنگ در اجزا و کلیت بنا و

جدول ۹. چگونگی تجلی وحدت هندسی در کالبد مسکن سنتی (وحدت اجزاء با همدیگر)، مأخذ: نگارندگان.



از جمله مصادیق وحدت، هماهنگی خانه در بافت مسکونی با دیگر واحدهای همسایگی است. نیاز به هماهنگی با دیگر واحدهای همسایگی و هماهنگی جزء با کل در واحد همسایگی و هماهنگ بودن بنا از نظر ظاهری و مادی با دیگر واحدهای مسکونی در واحد همسایگی و تعریف نمودن مصالح مطابق با اقلیم و همسایگی‌ها همگی، از جمله مصادیق وحدت همسایگی است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. بررسی هماهنگی با دیگر واحدهای همسایگی در نمونه‌های مورد بررسی، مأخذ: نگارندگان.

خانه احسان		در دید از بالای خانه احسان، میتوان هماهنگی آن با دیگر خانه‌های واحد همسایگی را مشاهده کرد. تمام خانه‌ها دارای حیاط مرکزی هستند. در مورد مصالح ساخت نیز خانه‌ها هماهنگ با هم و از یک نوع مصالح استفاده کرده‌اند.
خانه آل یس		در دید از بالای خانه آل یس مشاهده میشود که این خانه‌ها در نوع کلی شبیه خانه‌های دیگر محله است. همگی دارای حیاط مرکزی و یک جهتگیری مشخص و هندسه نظام‌مند هستند. و از مصالح همگن در ساخت خانه‌های خود استفاده کرده‌اند. در مورد گنبد‌های مشخص در پشت بام میتوان نمونه‌های مشابهی را در خانه‌های همسایگان مشاهده کرد.
خانه لذیذی		دید از بالای خانه لذیذی نشان میدهد که تمام خانه‌ها دارای حیاط مرکزی هستند. فرم هندسی این خانه با خانه‌های همسایه دارای کلیت واحدی است. در مورد جهتگیری هندسی و مصالح ساخت نیز خانه‌ها هماهنگ با هم و از یک نوع مصالح استفاده کرده‌اند.
نتیجه‌گیری	هر سه خانه در هماهنگی کامل با واحدهای همسایگی هستند و این هماهنگی در ساختار، تیپ پلان و نما و مصالح به کار رفته و هندسه جهتگیری دیده میشود.	

۸- تجلی اصل تنوع و تضاد در کالبد مسکن

سوره مرسلات آیه ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴؛ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ. وَفَوَاكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ. كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.

ترجمه؛ همانا پرهیزکاران در سایه‌ها و چشمه‌ها (قرار دارند). و هر نوع میوه که بخواهند فراهم است. بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می‌دادید، گوارایتان باد. همانا ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

تفسیر؛ «ظلال» جمع ظل به معنی سایه است، خواه سایه‌ای مانند سایه درختان در روز، و یا سایه‌ای که در تاریکی شب حاصل می‌شود، در حالی که فیء به سایه‌ای گفته می‌شود که تنها در مقابل یک مبدا نورانی به وجود می‌آید همچون سایه درختان در مقابل آفتاب. و مراد از کلمه «عیون» چشمه‌های آن است. سپس می‌افزاید: (و فواکه مِمَّا يَشْتَهُونَ) آنها در میان انواع میوه‌ها از آنچه مایل باشند و می‌خواهند قرار دارند (تفسیر نمونه، جلد ۲۵، ص ۴۲۶).

حدیث؛ امام علی (علیه السلام) به حارث همدانی نوشتند: ... از سکونت در منازل غفلت و جفا و آنجا که یاوران و اطاعت کنندگان خدا کماند، پرهیز (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

توضیحات؛ واژه تضاد زمانی معنا پیدا میکند که رابطه یک عنصر خاص با دیگر عناصر مورد بررسی قرار گیرد. تضاد به این معنی است که آنچه ساخته میشود به عمد خود را از محیط اطراف جدا کرده به عنوان «چیز دیگر» خود را نشان میدهد. در دیدگاه نظریه اطلاعات «چیز دیگر بودن» به معنی غیر منتظره بودن است یا بداعت. هر چیز بدیعی باید حداقل ارتباطی با چیزهای قبلی (زمینه) داشته باشد تا پیام آن قابل درک باشد. به این معنی که برخلاف کوشش طراح در چیز دیگر بودن نقش، بایستی عوامل از زمینه در نقش حفظ شده باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۲۹). در کنار تضاد مفاهیم دیگری همچون تقابل، تباین، تجانس و اختلاف مطرح می‌شوند. که میتوان متناسب با نوع استفاده، آنها را به عنوان درجه‌هایی از تضاد به شمار آورده و تضاد در

کنار این مفاهیم ماهیت خود را بیشتر آشکار می‌کند (هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

از نظر قرآن نظام خلقت در عین تضاد و تراحمی که بین اجزایش است به نحو خاصی به هم مرتبط و پیوسته است و آن رشته ارتباط خاص، اجزای عالم را هم آغوش و هماهنگ یکدیگر کرده و در اثر این هم آغوشی و هماهنگی، هر موجودی را به نتیجه اثر رسانیده است (اصغری، ۱۳۷۸). یکی از اصول پایه و بسیار قابل اهمیت در خلق اثر هنری توجه به نقش کنتراست و استفاده از آن است. کنتراست به معنای تضاد، تباین و کشمکش متقابل میان عناصر و کیفیتهای بصری است. کنتراست ارتباط منطقی و در عین حال متضادی را میان اجزا و عناصر مختلف یک ترکیب و یا یک اثر هنری بیان میکند (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۷۲). هر مفهومی فقط در مقابل ضد خود معنا پیدا می‌کند بدون سرما گرمایی وجود ندارد و یا بدون پستی، بلندی نیست، و بدون تلخی، شیرینی معنا ندارد. تضاد یا کنتراست موجود در پدیده‌ها باعث حساستر شدن قوای حسی ما نسبت به معنای آنها میشود (دانیس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵). کنتراست به واسطه نقش مهمی که در انتقال معانی و مفاهیم در زندگی، طبیعت و آثار هنری دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان به طور طبیعی بسیاری از مفاهیم را از طریق مقایسه‌ی میان معانی و شکل‌های آنها درک میکند. همچنان که مفهوم شب و روز، سردی و گرمی، خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و بزرگی و کوچکی، پهنی و باریکی، تیرگی - روشنی و هندسی و غیر هندسی از طریق تجربه و شناخت تفاوتها و مقایسه‌ی میان آنها فهمیده میشود (حسینی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۷۲). وجود زوجیهایی همچون «آب و خشکی»، «گیاه و غیر گیاه»، «نور و سایه»، «آفتاب و مهتاب»، «باد و هوای ساکن»، «زمین و آسمان» و ... در محیط میتواند عامل ایجاد تنوع و در نتیجه باعث شادی و سرزندگی شود. زوجیت طبیعت سبب میشود که محیط زندگی انسان چهره ثابتی به خود نگیرد و هر روز تحت تأثیر تغییرات آن، با برکت گردد. آنچنان که ثبات خود را از دست ندهد (بمانیان و صالح، ۱۳۹۰، ص ۶۸). بهره گرفتن از کنتراست در آثار هنری باعث جلوه بیشتر معنی، گویاتر شدن حالت، قوی‌تر نشان دادن احساس و

در نتیجه انتقال مفاهیم و پیامها به شکلی مؤثر و عمیقتر است. در حالی که عدم بهره‌گیری از کنتراست در کیفیت و عناصر تأثیرگذار معمولاً باعث یکنواختی، ملال و ناپایداری در تأثیرگذاری و عدم جذابیت اثر می‌شود. به طور مثال اگر نور را از یک محیط بصری حذف کنیم قادر خواهد بود برجستگی و فرورفتگی، تیرگی و روشنی، بزرگی و کوچکی و رنگ اشیا را تشخیص دهیم و همه چیز در تاریکی یکنواخت شناور خواهد شد و ارتباطی با مفاهیم فضای بصری مورد نظر به وجود نخواهد آمد. همچنین در صورت وجود نور بیش از حد و منابع نوری متعدد که منجر به حذف تیرگی‌ها شود با فضای روشن و یکنواختی منجر می‌شویم که به دلیل از بین رفتن کنتراست تیرگی - روشنی هیچگونه جذابیت بصری در آن دیده نمی‌شود. در حالی که وجود نور و تاریکی باعث ایجاد سایه - روشن و در نتیجه تشخیص فضای بصری می‌شود. در چنین حالتی هر چیزی به شکل، رنگ و ابعاد طبیعی خود می‌شود (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۷۳). کنتراست نقطه مقابل تعادل است، کنتراست یا تضاد برهم زننده آن تعادل است، ذهن را تحریک و توجه را جلب می‌کند. بدون کنتراست تمامی مدارکات ذهن از بین می‌روند. و حالتی شبیه به مرگ یعنی حالت فنا به وجود می‌آید (دانیس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶) (جدول شماره ۱۱).

جدول ۱۱. چگونگی تجلی اصل تنوع و تضاد در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با مطالعه و بررسی آیات و روایات میتوان براساس جدول ذیل به هفت اصل اساسی به عنوان معیارهای مؤثر بر کالبد مسکن به همراه توصیه‌های طراحی اشاره نمود.

جدول ۱۲. تحلیل اصول و معیارهای مسکن مطلوب براساس آیات و روایات

نشانی آیه	پیام و نکته‌ها	تجلی اصول در کالبد مسکن	توصیه‌های طراحی مسکن براساس آموزه‌های اسلامی
توبه آیه ۷۲	– «جَنّاتِ عَدْنِ»، طبق روایات، بهترین و شریف‌ترین منطقه‌ی بهشت و جایگاه پیامبران و صدیقان و شهداست، منطقه‌ای که از نظر خوبی، به خیال کسی خطور نکرده است. – خداوند به اهل نفاق، «نار جهنّم» وعده داده، اما به اهل ایمان «جَنّات، مساکن». – «جَنّت» به باغهای دنیا نیز گفته می‌شود (بقره آیه ۳۵). – بزرگ‌ترین امتیاز بهشت، خلود در آن و جاودانگی نعمت‌های آن است. «خالدین فیها». – زندگی آخرت تنها معنوی نیست، بلکه مادی و جسمانی است. «جَنّات، مساکن طَیِّبَة». – مسکن خوب، وقتی ارزشمند است که در منطقه‌ی خوب باشد. «مساکن طَیِّبَة فی جَنّات عدن». – از تمایلات طبیعی انسان به آب، سرسزی، باغ، بوستان و منزل، در جهت گرایش به معنویت استفاده کنیم. «وعدالله... جَنّات تجری من تحتها الانهار...». – لذت‌های معنوی، بالاتر از لذت‌های مادی بهشت است. «رضوان من الله اکبر». – بهشت نیز درجات و مراتبی دارد. «جَنّات تجری، جَنّات عدن و رضوان من الله اکبر».	رعایت اصل طبیعت	– بهشت حد والای طبیعت است. – براساس آیه ۳۵ سوره بقره، بهشت، مسکن اولیه بشر و خانه اخروی مومنین است. – بکارگیری توصیفات بهشتی در خانه برای آرامش و آسایش. – منظر و دید مناسب برای رؤیت آسمان در فضای مسکنی که امکانش وجود دارد. – اهمیت دید در شب مسکن با معیارهای زیباشناسی. – لزوم دیده شدن ستارگان آسمان در شب. – دیدن نزول آب باران از آسمان برای ساکنین. – صحنه‌پردازیهایی هنری در فضای مسکن مرتبط با مفهوم مسکن و زیبایی فضای مسکن و صحنه‌پردازی طلوع و غروب (ایجاد فضای ذکر).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۴۵۳

احزاب آیه ۵۳	- ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا...» - حق آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول خدا صلی الله علیه وآله. «لا تدخلوا بیوت النبی» - بهتر آن است که مهمانی در منزل باشد. (نه در مهمانسرا و هتل) «بیوت النبی... الی طعام» - صاحب خانه حق دارد به کسی اذن ورود ندهد. «الا ان یؤذن لکم» - اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصا اجازه بدهد. «یؤذن» به صورت مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود.) - نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است. «فاسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن».	رعایت اصل عدم اشراف	- مصون بودن فضاهای مسکن از نگاه نامحرمان. - آرامش بخشی مسکن. - داشتن فضای مناسب در ابتدای ورود به مسکن.
آل عمران آیه ۲۰۰	- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم، خدا و پیامبران «رابطوا». - صبر و مصابره و رابطه باید جهتدار باشد و در مسیر تقوی و رضای الهی قرار گیرد، وگرنه کفار هم این امور را دارند «صابروا و رابطوا واتقواالله». - اسلام دین جامعی است، صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است «اصبروا... رابطوا».	رعایت اصل همجواری	- اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه. - ایجاد همجواری مطلوب بین مسکن. - ارتقا و بهبود روابط همسایگی. - در نظر گرفتن فضای بیرونی برای برقراری ارتباط مناسب با مردم. - روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری.

- تعادل در نظام کل و اجزاء. - تعادل در ارتباط متقابل با محیط. - تعادل بین فضاهای خانه. - تعادل بین خانه و همسایگان. - تعادل بین خانه و محیط طبیعی.	تجلی اصل تعادل	اعراف آیه ۲۹ - انسان، مأمور به قسط و عدالت است. «أمر ربِّي بالقسط» و کردار زشت، خارج از دایره‌ی قسط است. «لا يأمر بالفحشاء... أمر ربِّي بالقسط». - پابندی خالصانه به دین، زمینه‌ی گسترش قسط و عدل است. «أمر ربِّي بالقسط و اقيموا و جهكم». - عدالت، تنها یک ارزش اخلاقی نیست. فرمان حتمی الهی است. - عدالت مستمر به صورت ملکه و عادت، ارزش است، نه عدالت لحظه‌ای. - انسان‌های عادل و منصف، به تقوا نزدیکتراند. - اگر باور کنیم که خدا عملکرد ما را می‌داند، به عدل رفتار خواهیم کرد (اعراف، آیه ۸). - مفاهیم قسط و عدل شرط جامعه اسلامی است. - عدل فقط، عدالت اجتماعی و قضایی نیست. - نقش عدل در اساس خلقت عالم و تداوم هستی کائنات.	طه آیه ۷۵ - بهشت دارای سلسله مراتب است. «درجات العلی». - اولویتهای و سلسله مراتب را مراعات کنیم (محمد آیه ۳۳). - در میان فرشتگان نیز سلسله مراتب وجود دارد، «و ما منا الا له مقام معلوم» (صافات آیه ۱۶۴). - در قیامت، سلسله مراتب است (بقره آیه ۱۴۳). - در میان انبیاء، سلسله مراتب است و خاتم النبیین اشرف آنهاست، زیرا همه‌ی انبیاء باید مؤمن به او و حامی او باشند (آل عمران آیه ۸۱). - در قانون الهی، میان خویشاوندان نیز سلسله مراتب وجود دارد. «و اولوا الارحام بعضهم أولى ببعض» (انفال آیه ۷۵). - رعایت سلسله مراتب و موقعیت سنی در خانواده و جامعه لازم است «قال کبیرهم» (یوسف آیه ۸۰). - راههای هدایت نیز درجات و سلسله مراتب دارد (اسرا ۸۴). - گواهان در قیامت، سلسله مراتب دارند. برای هر امتی، امام آن شاهد است و پیامبر اسلام، شاهد بر همه‌ی گواهان است (نحل آیه ۸۹). - در میان پیامبران نیز سلسله مراتب و برتری وجود دارد. حتی بهترین افراد و متقین با هم یکسان نیستند (اسراء ۵۵). - در احترام به دیگران، سلسله مراتب حفظ شود (صافات آیه ۱۲۰).
- اصل سلسله مراتب یکی از اصول بنیادین حاکم بر جهان هستی است. - رعایت نظام ارزشگذاری و دسته‌بندی فضاها براساس شأنیت کارکردیشان. - در نظریه‌ی مراتب برای فضا سازی خانه‌ها که این حرکت به گونه‌ای باشد که یادآور سلسله مراتب عرفانی برای نیل به مقصود الهی باشد و آرامش روحی و جسمی افراد را تأمین گرداند.	تجلی اصل سلسله مراتب		

حجر آیه ۲۱ و ۱۹

- چیزی در هستی، بدون اندازه معین آفریده نشده است. «بقدر معلوم».

- آفرینش، حساب و کتاب دارد. «فقدرة تقدیرا».

- تدبیر هستی، بسیار دقیق است. «تقدیرا».

- نظام آفرینش موجودات براساس مقدار و میزان دقیق است. «بمقدار».

- توازن ناظر بر هماهنگی کلیات و جزئیات خانه است؛ که در آن توازن با نظام خلقت میباشد.

تجلی اصل تناسب و توازن

- بهره‌گیری از ابعاد و اندازه دقیق پیمون در کالبد.

- رعایت تناسب منطقی فضاهای خانه با نیازهای کاربر (تناسب بین کاربر و کارکرد فضا).

- جهان هستی متوازن است و خانه جزئی از جهان و در توازن با آن است.

- توازن و تناسب خانه و فضاها، به نسبت وزنی فضاها در خانه بستگی دارد.

- جنبه دیگر تناسب، هموزنی شکل فضا و کاربری آن است.

- توازن اندام و عملکردها در خانه، توازن درونی فضاها؛ اصول توازن در طراحی فضاها.

- سازش و هماهنگی فضاها.

- در نظر گرفتن تناسب احجام و فاصله عناصر.

- برقراری اندازه و نسبت مشخص زیبایی در فضاهای مسکن.

مرسلات آیه ۴۱

بهشت و دوزخ سایه‌های متفاوت دارند. «ظل ذی ثلاث شعب...فی ظلال و عیون».

- انسان تنوع طلب است و در بهشت، باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، خوراکی‌ها و نهرها همه متنوع‌اند. «فی ظلال و عیون و فواکه ممّا یشتهون».

- وجود آب و درخت در کنار هم، نشانه کامیابی کامل است. «فی ظلال و عیون».

- در بهشت وسعت مکانی و تنوع وجود دارد (اعلی آیه ۱۷).

- تنوع - در بهشت، باغ‌ها و نهرها تعدّد دارند (نحل آیه ۳۱).

- تنوع میوه‌ها با رنگ، مزه، بو و شکل‌های مختلف، همه از نشانه‌های قدرت الهی است.

- تنوع میوه‌ها با اراده و خواست خداوند است وگرنه یک آب، یک نوع مزه بیشتر ندارد (رعد آیه ۴).

- برای تذکر، تفصیل و تنوع و تکرار لازم است (انعام آیه ۱۲۶).

تجلی اصل تنوع و تضاد

- استفاده از تنوع و تضاد در فضای مسکن.

- گونه‌های مختلف گیاهی متناسب با اقلیم.

- استفاده از تضادهای روز و شب، نور و سایه، سفیدی و سیاهی در طراحی.

- در فضاهای مسکن عناصر متضاد با چینش همجواری مثبت و منفی قرار گیرد نور و تاریکی.

- بکارگیری تضاد و تنوع در جزئیات (بدنه‌ها، رنگ در بدنه‌ها، مصالح و مبلمان).



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۴۵۶ ■

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۶۵)، هنجارهای شکلیابی معماری اسلامی ایران، مجموعه مقالات معماری ایران.

ارباب زادگان هاشمی، سید علیرضا، رنجبر، احسان (۱۳۸۸)، بازخوانی مفهوم تضاد در ارتفاع تنوع بصری فضاهای عمومی شهری، نشریه آرمانشهر، شماره ۳. اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۸۸)، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

امینیپور، احمد، مدنی، رامین و حامد حیاتی (۱۳۹۴)، بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه-های اسلامی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۰، ص ۴۷-۶۰.

امینزاده، بهناز (۱۳۷۹)، حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین، نشریه علمی-پژوهشی صفه، شماره ۳۱.

امینزاده، بهنام، نقیزاده، محمد (۱۳۸۱)، آرمانشهر اسلام، شهر عدالت، نشریه صفه، شماره ۳۵. آیوزیان، سیمون (۱۳۷۶)، حفظ ارزشهای معماری سنتی در معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر اول و دوم، وحدت وجود و وحدت شهود، کیمیای خیال، سوره مهر، تهران. بمانیان، محمدرضا، امینی، معصومه (۱۳۹۰)، بررسی شاخصهای مؤثر در شکلگیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵.

بمانیان، محمدرضا، پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال، صادقی، علیرضا (۱۳۸۹)، بازخوانی هویت معنوی و انگارهای قدسی در معماری مساجد شیعی، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۰.

بمانیان، محمدرضا، صالح، الهام (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، پژوهشهای میان رشتهای قرآن کریم، شماره ۵.

بمانیان، محمدرضا، عظیمی، فاطمه (۱۳۸۹)، انعکاس

معانی منبعث از جهانبینی اسلامی در طراحی معماری، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲.

بمانیان، محمدرضا، علی محمدی، فرزانه، ارجمندی، سحر، بررسی اصول زیبایشناسی در معماری خانههای سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانههای تاریخی شهر قزوین)، اولین همایش ملی اندیشهها و فناوریهای نو در معماری، تبریز-ایران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.

تولایی، نسرين (۱۳۸۲)، نقش مذهب در شکلگیری فضایی جغرافیایی. نشریه علمی و پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، تابستان ۸۲، صص ۶۲-۷۳.

حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران، ناشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

حسینیراد، عبدالمجید (۱۳۸۴)، مبانی هنرهای تجسمی، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران.

خسروی، محمدباقر، بمانیان، محمدرضا، سیفیان، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقش هویتساز قانده لاضرر در شکلگیری الگوی معماری اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی نقشجهان، دوره سوم، شماره ۱.

دانیس، دونیس الف (۱۳۸۸)، مبادی سواد بصری، ترجمه مسعود سپهر، انتشارات سروش، چاپ بیستم، تهران.

رأپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، انسان شناسی مسکن. خسرو افیلیان، مشهد آستان قدس رضوی. رأپاپورت، آموس (۱۳۶۶)، منشاء فرهنگی مجتمع-های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، جهاد دانشگاهی علم و صنعت، تهران.

ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰)، سطح بندی شهر در کلام پیامبر (ص)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳، ص ۴۷-۵۵.

ستاری ساربانقلی، حسن، زاهدیان، المیرا (۱۳۹۳)، جایگاه فضای سبز در معماری مسکونی ابنیه سنتی ایران با رویکرد به قرآن کریم و متون دینی، عصرآدینه، پاییز و شماره ۱۶-۱۵.

سیدرضی، محمد (۱۳۸۳)، نهجالبلاغه، ترجمه: محمدتقی جعفری تبریزی، چاپ پنجم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

شهرسازی ایرانی-اسلامی نمونه پژوهش میدانی بافت قدیم شهر شیراز، مسکن و محیط روستا. مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۸۳): حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساختهای معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۵۷-۶۶.

نصر، سید حسین، دین و نظم طبیعت، ترجمه محمد حسن فغفوری، انتشارات حکمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۱)، اصول مفهومی طراحی خانه براساس حکمت اسلامی. مقاله چهاردهم، صص ۱۷-۱.

نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۲)، تحلیل ساختار فضایی بیت الحرام و تاثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران، مقالات بنیادی و کاربردی در حکمت هنر و معماری اسلامی، جلد اول، مقاله چهاردهم.

نقیزاده، محمد (۱۳۹۳): تدوین مبانی مسکن معاصر براساس جهانبینی اسلامی. مقاله ۳۳۳۹، صص ۳۲۱۳-۳۲۳۱.

نقیزاده، محمد (۱۳۷۹)، رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۷۹-۹۱.

نقیزاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، انتشارات مانی، اصفهان، چاپ اول.

وثیق، بهزاد، پشتونیزاده (۱۳۸۸)، آزاده، مفاهیم سکونت در آیات و روایت اسلامی، مسکن و محیط روستا، شماره ۲۹.

Rabah, Saoud (2002), Introduction to the Islamic City, foundation for science Technology and Civilization

شهیدی، شریف، بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، نقش خدامحوری در شکلهی به ساختار، اجزا و عملکردهای معماری اسلامی ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۲۷.

شیرازی، محمدرضا (۱۳۸۸)، روایت و سکونت، رایانه معماری و ساختمان.

طهوری، نیر، جستجوی مفاهیم نمادین کاشی زرین فام، فصلنامه خیال، فرهنگستان هنر، تهران، شماره ۱، ۱۳۸۱.

غنیزاده، مسعود (۱۳۸۵)، نگاه به شهر در تمدن اسلامی، نشریه علمی و پژوهشی راهبرد یاس، شماره ۷، پاییز ۸۵، صص ۱۹۷-۲۱۰.

فرخیار، حسین (۱۳۹۲)، صد خانه- صد پلان (ویژگیهای معماری خانههای قدیمی در اقلیم گرم و خشک)، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان.

کورت گروتز، یورگ (۱۳۹۰)، زیباییشناسی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ ششم، تهران. مایس، پیرفون (۱۳۸۳)، عناصر معماری از فرم تا مکان، ترجمه مجتبی دولتخواه، چاپ دوم، انتشارات ملائک، تهران.

مسائلی، صدیقه (۱۳۸۸)، نقشه پنهان به مثابه دستاورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، تهران. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، فطرت، انتشارات صدرا، تهران.

معماریان، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۹)، تأثیر فرهنگ دینی بر شکل گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۲۵-۱.

ملکشاهی، غلامرضا (۱۳۸۰)، تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی. نشریه علمی و پژوهشی پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۶۱-۱۸۳.

منصوری، علی (۱۳۸۹)، حجاب و پوشیدگی در